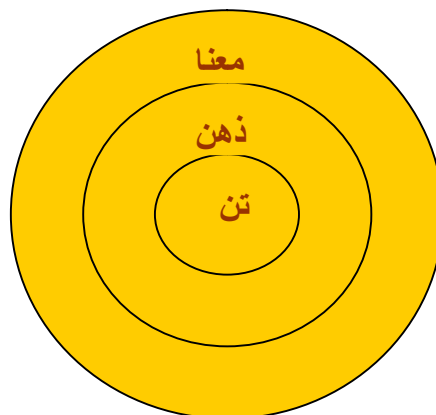


یادداشت کوتاهی در باب حقوق بشر

نوشته دکتر جمشید جمشیدی

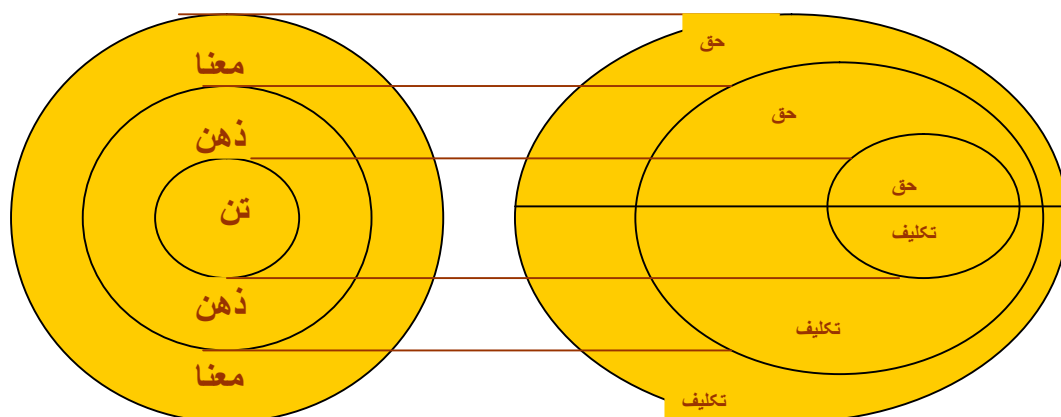
قبل از ورود به بحث حقوق بشر ابتداء لازمست یک تعریف جامع و جهانشمول از خود "بشر" ارائه دهیم. زیرا که ارائه چنین تعریفی دسترسی به یک چارچوب منطقی-علمی حقوق بشر را نیز امکان پذیر میکند.

در تسلسل سلسله مراتب تکامل، "بشر" تکامل یافته ترین موجود زنده بر روی کره زمین است. هستی "بشر" از سه حوزه به اختصار درآمده "تن"(body)، "ذهن"(mind) و "معنا"(meaning) تشکیل میگردد. سه حوزه هستی بشرمشترک و جهانشمول است. واقعیت این سه حوزه مخلوق تخیلات و ترسیم های محض ذهنی نیست بلکه حاصل پژوهش های علمی و تجربیات عینی و ذهنی بشر در طول تاریخ درازمدت تکامل است. علوم فیزیک، شیمی، زیست شناسی، روان شناسی، جامعه شناسی، مردم شناسی، علم تاویل، الهیات و دیگر علوم انسانی جمعا بر وجود این سه حوزه و روابط ناگسستنی بین آن ها شهادت میدهند. صیانت از این سه حوزه، پرورش و هدایت و برقراری تعادل بین آن ها موضوع حقوق بشر است. گو این که این سه حوزه از هم قابل تفکیک اند ولی در رابطه تنگاتنگ با هم قرار دارند. رابطه آن ها نسبت به هم به مانند حجرگان توی در توی است(شکل 1). به گویش دیگر هر حوزه به مانند یک لایه در درون پیاز است. رشد لایه ها به ترتیب از درون به بیرون است. لایه بیرونی لایه درونی خود را می پوشاند و همزمان بوسیله لایه بیرونی تر پوشیده میگردد. بدون تن، ذهن پیدایش نمی یابد، و بدون ذهن معنا به بیراهه کشانده، متلاشی میگردد. وجود لایه تن برای تعالی ذهن و لایه ذهن برای ارتقای معنا ضروری است. به گویش دیگر معنا ذهن را در خود فراگرفته ولی در چارچوب آن محدود نگردیده از آن فرارفته حوزه نوین معنا را ایجاد میکند. لایه ذهن، تن را در بر گرفته ولی از آن فرارفته حوزه جدید ذهن را ایجاد میکند. تن اساس هستی بشر در سه حوزه، بنابراین بنیادی ترین حوزه یا لایه وجود بشریست. ناگواری و رنجش تن سبب آفت، شوربختی و بالاخره تخریب دو لایه دیگر میگردد. تن در دامن تدابیر ذهن و معنا حفاظت میشود، چرا که وجود سالم آن اساس تعالی ذهن و معناست. اگر تن اساسی است ذهن و معنا، حافظ تن و زندگی، از اهمیت ویژه و انکارناپذیری برخوردارند.



شکل 1- سه حوزه یا لایه هستی بشر- یکی در درون دیگری واحد منجسم و هم آهنگ وجود انسان را تشکیل میدهند.

اگر به پذیریم که هستی بشر از حوزه های تفکیک شده تن، ذهن و معنا شکل گرفته است، حقوق یا اختیارات بشر نیز متناسب با هر یک از این حوزه ها قابل تصورست. حقوق یا اختیارات، این همانی با خودبودگی، عاملیت و یا منیت شخص دارد که نماد انجسام و سلامت اوست. ولی باید در مد نظر داشته باشیم که حقوق یا اختیارات بشر در حوزه های سه گانه همیشه به همراه تکالیف یا مسئولیت های بشر در محیط زیست جمعی مطرحند(شکل 2). اگر فرد خوراک، پوشاک، مسکن و غیره طلب میکند مجبورست در مناسبات تولید شرکت کند مگر اینکه از معذوریت قانع کننده ای بر خوردار باشد. اگر مقرر میگردد که کسی نباید مورد اذیت و شکنجه قرار گیرد تکلیف دست نزدن به عمل مشابه توسط خود شخص شاکي نیز محفوظ نگاهداشته شده است. تکالیف یا مسئولیت ها این همانی با دیگربودگی، دیگرزیستی، دیگرگونگی شخص دارد که نشانگرانگیزه سازگاری، همکاری و همزیستی او در محیط زندگی است. نه اختیار تام و مطلق داریم و نه تکلیف یا مسئولیت صرف وجود دارد.



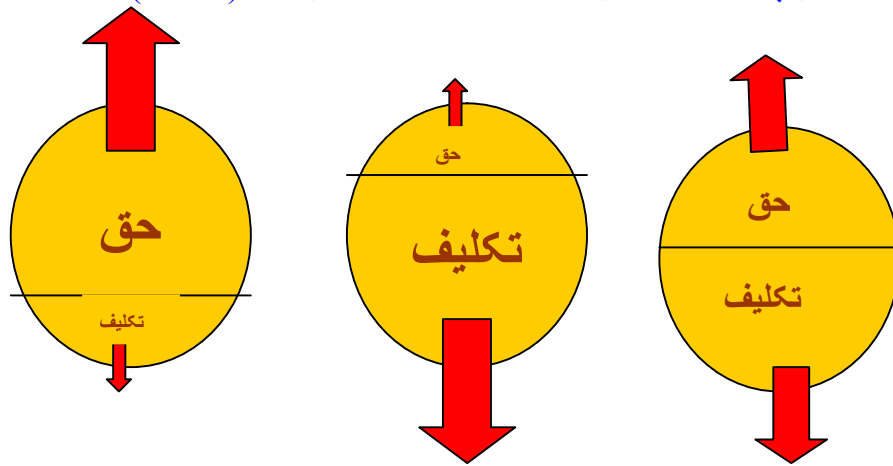
شکل 2- رابطه گرافیک حقوق و تکالیف بشر با سه حوزه هستی تن، ذهن و معنا

جدول 1- حقوق و تکالیف مربوط به حوزه های هستی بشر به اختصار در آمده است.

حوزه هستی بشر	حقوق(اختیارات) بشر	تکالیف(مسئولیت های) بشر
تن(زندگی)	خوراک- پوشاک- مسکن- بهداشت- امنیت جانی	شرکت در مناسبات تولیدی و اقتصادی، کوشش در حفاظت از سلامتی تن، پرهیز از ناامنی و اذیت دیگران، همکاری در برقراری امنیت فردی و اجتماعی
ذهن(مقولیت)	آموزش- پژوهش- علم- تجربیات و آزادی در فعالیت های فردی و اجتماعی(اعم از سیاسی و اقتصادی)	یادگیری و آموزش، کاربرد روش های علمی- منطقی در ارائه و حل معضلات فردی و اجتماعی
معنا(معنویت)	آزادی های فرهنگی و عقیدتی- تجربیات دینی و روحانی	پرداختن به فعالیت های هنری- فرهنگی و عقیدتی در چارچوب شعور و فرهنگ جمعی

حقوق و تکالیف مربوط به حوزه های تن، ذهن و معنا در جدول 1 به اختصار در آمده اند. مضمون حقوق (اختیارات) و تکالیف (مسئولیت ها)، هم در زمینه رفتاری (ظاهری) و هم در زمینه شعوری (باطنی) در دوبره فردی و جمعی قابل تصورند. (بحث مربوط به چهاربره هر واقعیت را در مقاله "نظریه انتگرال چیست" دنبال کنید).

حقوق (اختیارات) و تکالیف (مسئولیت ها) باید در تعادل و هم آهنگی با هم طرح و تحقق بیابند. در حالی که بشر خود یک کل (مختار) است، جزء (مسئول) در یک کل بزرگ ترست. بشر در حقیقت همانند یک هولون¹ یا کل و جزء کل بزرگترست. حقوق یا اختیارات بشر حکم نیمه بالائی تن او و تکالیف یا مسئولیت ها حکم نیمه پائینی تن او را دارند. تناسب و تعادل بین اختیارات و مسئولیت ها ضامن سلامت، و نا هم آهنگی بین آن ها سبب بیماری شخص میگردند. افزایش تکالیف و مسئولیت های فردی و جمعی همراه با کاهش اختیارات سبب انقباض، ادغام و ذوب فرد و اجتماع، و در مقابل اختیارات مفرط و کاهش مسئولیت ها باعث استبداد و سلطه گری فردی و جمعی خواهد گردید. بی شک تعادل بین اختیار (حق/آزادی) و مسئولیت (تکلیف/فشار) در بعد فردی و جمعی پیش شرط تعالی بشر در سه حوزه هستی است (شکل 3).



سلطه گری/هژمونی

ادغام/ذوب

اعتدال

شکل 3- سه نوع رابطه بین حق و تکلیف (در بعد فردی و جمعی صدق میکند).

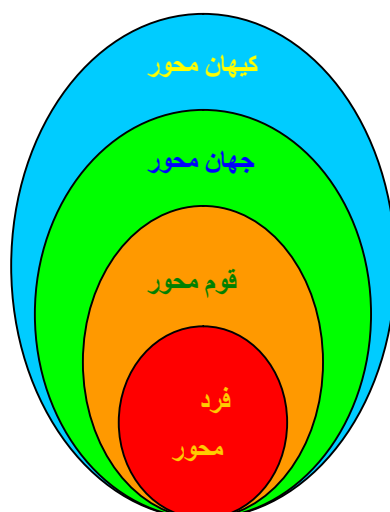
خواه ناخواه رابطه بین حقوق و تکالیف حکایت از وجود نوعی همبستگی یا تعامل در محیط زندگانی بشر میکند. این همبستگی ممکنست در بعد فرد با خود، فرد با فرد، فرد با اجتماع و بالاخره اجتماع با اجتماع نمایان گردد، که در هر صورت تناسب بین حقوق و تکالیف تعیین کننده چگونگی این همبستگی خواهد بود.

حقوق و تکالیف مفهومات مطلق، ازلی و ابدی نیستند، بلکه آن ها تابعی از شرایط زمان و مکانند که با بازتاب یافتن در ذهن از سوی دیدگاه های ما بواقعیت می پیوندند. این دیدگاه ها ممکنست در سطح فردی، خانواده، قوم، کشور و بالاخره تا در سطح جهانی خودنمایی کنند. ما

¹ holon=hol+on=whole/parts

نیاز داریم تا به تشریح مفهوم بسیار مهم ساختار سطوح دیدگاه (یا چشم انداز)² های فرد و جمع به مقوله حقوق بشرنیزبه پردازیم.

اجازه بدهید اجالتا به چهار سطح دیدگاه، فرد (خود) محور³، قوم محور⁴، جهان محور⁵ و کیهان محور⁶ اشاره کنیم (شکل 4). هر یک از این چهار دیدگاه مساله حقوق (و تکالیف) بشر را در چارچوب سطح شعور و چشم انداز خود می بیند



شکل 4- چهار دیدگاه

رابطه سطوح نسبت به هم به مانند همان لایه های پوششی پیاز است که در توصیف حوزه های ترکیب کننده ساختار "بشر" ارائه شد. لایه بیرونی با شامل کردن لایه درونی در خود، به فرای آن رشد میکند. این لایه بوسیله لایه بیرونی تر دربرگرفته میشود و الی آخر. هر کدام از دیدگاه ها در چارچوب ارزیابی خود به نسبتی از حقوق و تکالیف بشری باور داشته و به رفتاری در راستای تحقق آن ها مبادرت میورزند. البته که تعبیر و باورهای همه آن ها در زمینه حقوق بشر در چارچوب دیدگاه خودشان توجیه پذیرند. آنچه که قابل توجه است تفاوت نسبی در گستردگی میدان فراگیری حقوق بشر در دیدگاههاست. هر چه در محور عمودی سطوح به بالا اوج گیریم، با گشاده نظری و کثرت گرائی بیشتر یا با نسبتی فراگیرتر به حقوق (و تکالیف) افراد بشر برخورد خواهیم کرد. اما هر کدام از سطوح از بیماری بیش خواهی در امان نخواهند بود.

² perspective

³ Ego-centric

⁴ Ethnocentric

⁵ Worldcentric

⁶ Cosmocentric

فرد محور، حقوق شخصی خود را در مرکزیت مناسبات می بیند و نه تنها به چگونگی وضع حقوق دیگران بی اعتناست چه بسا بسادگی حاضرست تا حقوق دیگران را نیز به نفع خود مصادره کند و به بیماری سلطه گری دچار گردد.

قوم محوری که بی گمان در دنیای امروز پدیده غالبی است حقوق بشر را در چهارچوب منافع قوم، جامعه همگن و هم مسلک و یا حداکثر درون مرزهای کشور خود رعایت میکند و به چگونگی حقوق بشر در فرای مرزهای خود بی اعتناست. بیماری قوم محوری مصادره حقوق اقوام دیگر به نفع قوم خود است.

اما زمانی که چشم انداز حقوق بشر از محدوده مرزها فرا رفت و خصلت جهان پیوستگی آن در مد نظر قرار گرفت آنوقت است که میتوان به شوربختی ها و معضلات حقوق (و تکالیف) بشری در سطح جهان پایان بخشید، که البته تا تحقق این آرمان راه درازی در پیش داریم. باری، محبوس شدن در حجره تنگ دیدگاه خود و امتناع به صعود در سطوح فرازین همیشه با احتمال انحراف از وضع اعتدال و پرتاب به قهقرای سیاه چال بیش خواهی و گریز از بار مسئولیت ها روبرو خواهیم بود.

ما فعلا از بحث در مورد سطح کیهان محور که حتا حقوق اعضای دیگر طبیعت بی مرز، از جمله جانوران، گیاهان و کل اکولوژی را نیز در مد نظر می آورد و در پی تحقق یک رقص هم آهنگ و منجسم در سطح کیهان و کاینات است خود داری میکنیم.

به باور نگارنده این سطور، اعلامیه حقوق بشر، به جهت کارآمدتر شدن بهترست از ویژگی های زیر برخوردار باشد.

الف. بر پایه آگاهی از سه حوزه ترکیب دهنده نوع "بشر"، حقوق هر یک از این سه حوزه بطور روشن و منظم گنجانده شود. افزون بر تاکید رعایت و تضمین این حقوق برای آحاد مردم، برقراری یک تعادل پویا بین حقوق و تکالیف که ضامن یک رشد فردی، اجتماعی و فرهنگی پایدار خواهد بود ضروری است.

ب. بی شک اعلامیه حقوق بشر از متنی جهانشمول یا با دیدگاهی جهان محور تدوین خواهد شد ولی لازمست در فرآیند تحقق آن سیرنسبی صعودی یا تعالی سطوح دیدگاه ها که از سطح فردمحور، قوم محور، جهان محور و غیره عبور میکند لحاظ گردیده، تشویق و پی گیری گردد.

پ. باید نشان داد که مفهوم حقوق بشر یک شگرد یا دسیسه سیاسی نیست و مفاد آن بر اساس داده های واقعی و علمی در راستای حفاظت، پرورش و تعالی سه حوزه هستی انسان تدوین شده اند. و رابطه رشد و تعالی سالم سه حوزه هستی در شخص را با توسعه فراگیر و متعادل اجتماعی و فرهنگی به اثبات رساند. به عبارتی موضوع حقوق بشر در مورد کشور خاصی باید در رابطه با آمار و شواهد عینی اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی و غیره که در سازمان ملل نیز موجود است مطرح گردیده و از پایه های علمی و منطقی قانع کننده ای نیز برخوردار باشد.

ج. برای تحقق نظام حقوق بشرمشترک و جهانی لازمست کشورهای جهان در تمام زمینه ها با هم تشریک مساعی کنند. محدودیت ها و معذورات احتمالی بومی در رعایت حقوق بشر باید در

رابطه با ویژگی های اجتماعی- فرهنگی و پتانسیل های عینی و ذهنی موجود در محل مورد نظر مورد توجه قرار گرفته، و جامعه جهانی در رفع این محدودیت ها و کمبودها یاری رساند. البته خصوصیات داخلی یا بومی باید از طریق نظرخواهی و تصمیم جمعی جامعه و سازمان های بی طرف، نه بوسیله سیاستمداران و حاکمان محلی، شناسائی شوند.

این یادداشت به دنبال فراخوانی جهانی برای بازنگری در مواد "اعلامیه جهانی حقوق بشر" سازمان ملل نگاشته شده است. ما در دنبال به نمونه بازنگری مختصری که در پنج ماده اول این بیانیه انجام دادیم اشاره میکنیم.

ماده ۱

تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند.

تمام افراد بشر که بطور طبیعی زاده می‌شوند، از قابلیت (پتانسیل) رشد جسمانی، ذهنی و معنوی برخوردارند. افراد بشر حق دارند از محیط آزاد و حمایت برابر برای رشد طبیعی و بالنده خود در هر سه حوزه جسمانی، ذهن و معنا برخوردار گردند.

ماده ۲

هر کس می‌تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده و سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد.

به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده ۳

هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

این ماده میتواند در ماده 25 همین اعلامیه ادغام شود، یا کلن با ماده ی 25 جایگزین گردد.

ماده 25

هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تامین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش، به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود. همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو، بویگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی مستقل از اراده خویش وسایل امرار معاشش را از دست داده باشد، از تامین اجتماعی بهره مند گردد.
۲- مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه کودکان، اعم از آن که در پی

ازدواج یا بی ازدواج زاده شده باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره مند گردند.

ماده ۴

هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت. بردگی و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است.

هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی و یا حبس خانگی نگاه داشت. بردگی و داد و ستد افراد به هر شکلی که باشد ممنوع است. حبس خانگی و یا محدودیت اجباری ظهور در انظار عموم به هر دلیل که باشد به اجحاف حقوق شخص تعبیر میشود.

ماده ۵

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

هیچ کس نباید مورد آزار و شکنجه جسمانی قرار بگیرد و هر گونه توهین، تحقیر و تخریب شخصیت اجتماعی و فرهنگی فرد ضد انسانی تلقی میشود.